



شایسته سالاری

علیرضا حسن تبار



پیشگفتار

باسمه تعالی

در راستای ترویج معارف ناب علوی و اعتلای محتوای منابر مبلغین گرامی، موسسه تخصصی خطابه امیربیان شعبه تهران اقدام به تشکیل کارگروه تخصصی نهج البلاغه نموده است.

با توجه به ایام پیشرو و ضرورت ارائه محتوای سیاسی جهت روشنگری اذهان مردم، این کارگروه پژوهش بر روی نامه ۵۳ نهج البلاغه (عهدنامه مالک اشتر) را در اولویت فعالیت های خود قرار داد؛ حاصل آن پژوهش ها، استخراج مطالب مهمی از جمله ۴۰ ویژگی برای مسئول حکومت اسلامی شده است.

نوشته پیش رو، به توضیح و تبیین یکی از آن ویژگی ها، در قالب منبر کوتاه ویژه سخنرانی بعد نماز جماعت، با استناد به مصادیق تاریخی و شاهد مثال از نحوه عملکرد معصومین علیهم السلام علی الخصوص حضرت

امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیهما السلام و بیان نمونه ای مطابق و نمونه ای مخالف با آن ویژگی، پرداخته است.

با توجه به قالب تعیین شده که لازمه آن اختصار و کوتاه بودن متن است، از پرداختن به بسیاری نکات و شواهد تاریخی و معاصر، خودداری شده است؛ اما سروران عزیز می توانند با توجه به مخاطب و مجلس خود، به این مطالب بال و پر بدهند و توضیح و تفصیل آن را متناسب با شرایط، اضافه کنند.

ان شاءالله در آینده ای نزدیک، تمام آن چهل ویژگی ها به صورت منبر تدوین می شود و در قالب یک کتابچه، به چاپ می رسد.

به امید روزی که نهج البلاغه در میان آحاد مردم و مسئولین کشور، مورد توجه قرار بگیرد و به فرمایشات مولی الموحّدین علیه السلام در تمامی عرصه ها، عمل شود.



بسم الله الرحمن الرحيم

محمد، پسر ابوبکر، خلیفه ی اول؛ از یاران ناب امیرالمومنین علیه السلام و فرزند خوانده ایشان بود. می توان گفت جایگاه او نزد حضرت علی علیه السلام مانند جایگاه اباذر نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. محمد بن ابی بکر، کسی بود که حضرت در جریان کشته شدن وی، به سوگ و عزا می نشیند و در نامه ای در نهج البلاغه^۱ هم از او یاد به بزرگی یاد می کنند و این صفات را در وصفش به کار می برند:

فرزندی ناصح، کارگزاری سخت کوش، شمشیری برنده و ستون و رکنی استوار.

اما وقتی مصر از طرف شام مورد تهاجم قرار گرفت، امیرالمومنین احساس کردند که باید استاندار مصر، یعنی محمد بن ابی بکر را عوض کنند و انسانی قوی تر را برای فرمانروایی مصر به آنجا بفرستند.

آن آدم نیرومندتر، مالک اشتر بود. به صرف اینکه مالک اشتر با صلاحیت بیشتری است، موجب شد که امیرالمومنین محمد بن ابی بکر را بردارد و مالک را بگذارد چون مسؤولیت در حکومت اسلامی تعارف و علاقه و ذوق شخصی، دخیل نیست.

محمد بن ابی بکر از این تصمیم کمی دلگیر شد، حضرت در نامه ای جداگانه^۲ از او دلجویی می کند و علت این تصمیم را اینگونه بیان می کند که این جابجایی به سبب کاهلی تو نبود، بلکه مصر نیازمند انسانی قوی تر است.

توان انسان ها با هم برابر نیست؛ اگر آنها در جایگاه متناسب با توان خودشان قرار نگیرند، هم به آنها فشار می آید و هم از عهده آن مسؤولیت بر نمی آیند. درست مانند ابزار آلات؛ مثلا آچار ۱۴ برای پیچ و مهره شماره چهارده مناسب است، و اگر در شماره ۱۶ یا ۱۲ بخوایم از آن استفاده کنیم، نتیجه نمی گیریم؛ آچار ۱۴ ناقص یا خراب نیست، بلکه سالم و محکم و خوب است، اما برای جایگاه خودش.

^۲ نهج البلاغه - نامه ۳۴

با این که محمدبن ابی بکر یکی از بهترین یاران امیرالمومنین و فرزند خوانده ی اوست و حضرت به او فوق العاده علاقه مند بود، در عین حال وقتی می بیند برای این مسوولیت، کسی که از او مناسب تر و شایسته تر است، او را بر می دارد، مالک اشتر را می گذارد.

این یعنی شایسته سالاری^۳؛

شایسته سالاری یعنی افراد بر اساس تخصص انتخاب شوند.

یعنی هر کسی در جایگاه متناسب با خودش قرار بگیرد.

یعنی هر کسی توانایی بیشتری دارد، وظیفه اش هم سنگین تر است.

(هر که بامش بیش، برفش بیشتر)

این تنها یک نمونه از شایسته سالاری در حکومت امیرالمومنین علیه السلام

بود و نشان می دهد آن حضرت برای عزل و نصب مسئولین، به این نگاه

نمی کردند که آن شخص بدش می آید، ناراحت می شود و یا ؛ و

^۳ شایسته سالاری به شیوه‌ای از حکومت یا مدیریت گفته می‌شود که در آن دست‌اندرکاران بر پایه توانایی و شایستگی‌شان برگزیده شوند و نه بر پایه قدرت مالی یا موقعیت اجتماعی و فامیلی.

اینکه ایشان به صرف خویشاوند و فامیل بودن و حتی فرزند خودشان بودن، با کسی تعارف و رودربایستی نداشتند.

یکی از موارد بسیار مهم و کاربردی در سیاست و حکومت، بحث عزل و نصب هاست، بحث اینکه به چه کسی مسؤولیت بدهیم و از چه کسی مسؤولیت را بگیریم.

در حکومت امیر المومنین علیه السلام این معنا مراعات می شد؛ طلحه و زبیر، کسانی بودند که حضرت علی علیه السلام را به خوبی می شناختند، اما با این حال در طی ۲۵ سالی که حکومت به دست کسانی بود که به آنان به عنوان های مختلف، پول هایی بی جا از بیت المال می دادند و آن را به صورت نابرابر بین آنها تقسیم می کردند؛ به گونه ای که در منابع تاریخی آمده است ثروت زبیر هنگام مرگ، ۵۰ هزار دینار و هزاران اسب و ثروت طلحه هنگام مرگش بیش از ۲ میلیون دینار بوده است!^۴ آن ها به خود این اجازه را دادند که نزد حضرت بیایند و از او درخواست سمت کنند و بگویند که ما تو را خلیفه کردیم که به ما پستی بدهی.

^۴ الفتوح (ابن اعثم کوفی) - ج ۲ ص ۳۷۰ برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص ثروت طلحه و زبیر به پایگاه اینترنتی (wikifeqh.ir) مراجعه کنید.

حضرت که هرگز حاضر به نافرمانی خدا و دادن امتیاز به امثال اینان نبود، فرمودند:

لَا وَ لَكِنَّكُمْ شَرِيكَانِ فِي الْقُوَّةِ وَالِاسْتِعَانَةِ وَ عَوْنَانَ عَلِيٍّ
الْعَجْزُ وَالْأَوْدُ^۵

نه، ولی در قدرت و یاری دادن شریک، و در ناتوانی و سختی کمک باشید.^۶

حضرت سهم خواهی آنان را نپذیرفت و با آنها به صراحت مخالفت کرد. این رفتارها و قاطعیت‌ها و دقت در عزل و نصب، و دخالت ندادن نسبت‌های خانوادگی و قومی و عشیره‌ای، دخالت ندادن اینکه نکند فلانی از دست من ناراحت بشود، نکند رابطه‌ی بین ما خراب شود، نکند از من کینه به دل بگیرد، نکند با خودش بگوید من با او دشمنی دارم و

^۵ نهج البلاغه (صبحی صالح) - حکمت ۲۰۲

^۶ نهج البلاغه - ترجمه حسین انصاریان ص ۸۰۷

... (جملاتی که وقتی ما با کسی رودر بایستی داریم با خودمان می‌گوییم) از امیرالمومنین علیه السلام بارها در موقعیت‌های مختلف ثبت شده است. در منطق علی علیه السلام، هم گماشتن فردی بر کاری باید بر اساس شایسته سالاری باشد و هم عزل کسی از منصبی باید بر اساس عدم صلاحیت وی باشد، و نه بر اساس ذوق و میل و اعتماد شخصی. نه این که خود شخص اقرار دارد به این که من نه تخصص اش را دارم و نه تجربه؛ اما مسوول دولت اسلامی به او بگوید که به جده ات حضرت زهراء سلام الله علیها توسل کن...

از شهید چمران سوال کردند: تعهد بهتر است یا تخصص؟ گفت: می‌گویند تقوا از تخصص لازم‌تر است، آن را می‌پذیرم. اما می‌گویم آن کس که تخصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی‌تقواست.^۷ ^۸

^۷ پایگاه اینترنتی تبیان (tebyan.net)

^۸ مَنْ تَوَلَّى عِرَافَةَ قَوْمٍ وَ لَمْ يَحْسُنْ فِيهِمْ ، حُبِسَ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ بِكُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ سَنَةٍ ، وَ حُسْرٍ وَ يَدُهُ مَعْلُوبَةٌ إِلَى عُنُقِهِ ؛ فَإِنْ كَانَ قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى أُلْقِيَ اللَّهُ تَعَالَى ، وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا هَوَىٰ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ سَبْعِينَ خَرِيفًا . (ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ص ۲۸۸)

هر کس مسئولیت مردمی را به عهده گیرد و با آنان به نیکی رفتار نکند، به ازای هر روزی هزار سال در لبه ای از دوزخ نگه داشته شود و با دست‌های زنجیر شده به گردش، محسور گردد. پس اگر در میان آنان فرمان‌خداوند متعال را برپا داشته باشد خداوند متعال او را آزاد کند

امیرالمومنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می فرماید:

ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمَلِمَهُمْ [اِخْتِيَارًا] اِخْتِبَارًا
وَلَا تُؤَلِّمَهُمْ مُحَابَاةً وَ أَثَرَةً^۹

سپس در امور کارگزاران حکومت دقت کن و آنان را پس از آزمایش به کار گیر، از راه هوا و هوس و خود رأیی آنان را به کار گردانی مگمار^{۱۰}

این دستور حضرت، مختص فقط مسئولان کلان کشور که می خواهند مدیری برای یک قسمت تعیین کنند، نیست. بلکه هر انسانی که می خواهد مسئولیتی در حکومت به کسی واگذار کند، باید این را لحاظ کند. یعنی من و شما هم که با رأی خودمان می خواهیم کسانی را نماینده مجلس یا رئیس جمهور یا شورای شهر ... کنیم، باید در انتخابمان دقت

و اگر ستم کرده باشد، خداوند او را در آتش دوزخ، که ژرفایش به مسافت هفتاد سال راه باشد، فرو اندازد.

^۹ نهج البلاغه (صبحی صالح) نامه ۵۳

^{۱۰} نهج البلاغه - ترجمه حسین انصاریان ص ۶۹۲

کنیم. باید با معیار و ملاک و عقل رأی بدهیم. نه اینکه بر اساس وعده ها و شعارها و مسائلی از این دست، که هیچ کدام دلیل محکمی برای صلاحیت تصدیگری و مدیریت کشور نیست، کسی را انتخاب کنیم.

اگر می خواهیم با معیار و با نگاه علی علیه السلام رأی بدهیم، باید بر اساس توانمندی ها و شایسته سالاری انتخاب کنیم؛ نه بر اساس حدس و گمان و^{۱۱}. همه ما روز قیامت در پیشگاه الهی باید پاسخگوی انتخابهایمان باشیم.

ان شاء الله که خداوند به حق امیرالمومنین علیه السلام عاقبت امر ما ختم به خیر کند؛ به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

^{۱۱} شاید برای برخی مخاطبین لازم باشد در اینجا اشاره به دو نکته در خصوص تایید صلاحیت ها، توضیح داده شود. آن دو اشکال عبارتند از:

الف - مردم مجبورند بین گزینه های معرفی شده توسط شورای نگهبان انتخاب کنند؛ و گزینه های محدودی مقابلشان است.

پاسخ:

در همه جای دنیا این قاعده وجود دارد که کاندید های انتخابات، از فیلتر هایی عبور می شوند و به یکباره به عرصه رقابت انتخابات، وارد نمی شوند.

ب - اگر کسی شایسته آن سمت و مسئولیت نیست، اصلاً چگونه تایید صلاحیت شده است؟

پاسخ:

تایید صلاحیت بر اساس معیارهای مشخصی مانند: مدرک، نداشتن سوء سابقه و ... انجام می شود و در واقع تمام کسانی که تایید صلاحیت می شوند، اصلح نیستند؛ بلکه بسیاری از آنها حداقل هایی از صلاحیت را دارند. و ما باید میان گزینه هایی که از فیلتر شورای نگهبان عبور می کنند، به دنبال شایسته تر و اصلح باشیم.